

تاریخ: ۱۳۹۱/۴/۴

جناب آقای دکتر هوشداران
دبیر محترم انجمن دانش آموختگان دانشگاه شیراز
و مدیر مسئول محترم گاهنامه دانش آموخته

شماره بهار ۱۳۹۱ گاهنامه‌تان را خواندم. از این که خبر بیست سالگی دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه- زنجان را پوشش داده بودید و از بزرگداشت ۸۰ سالگی من یاد کرده بودید، سپاس گزارم. از روزهای شیرین و تلخام در شیراز خاطره‌ها دارم. من در سال ۱۳۴۳، در روزهایی که دانشگاه قدیم شیراز پوست می‌انداخت و در قالب نو دانشگاه پهلوی می‌رفت به شیراز رسیدم. خیلی کارها می‌بایست انجام می‌گرفت. برنامه‌های درسی جدید تدوین می‌شد. منابع درسی به روز تهیه می‌شد. نظام درسی واحدی و ترمی برقرار می‌شد، پژوهش قابل عرضه در سطح بین‌المللی انجام می‌گرفت، تحصیلات تکمیلی به وجود می‌آمد، رابطه استاد و دانشجو بر معیارهای صمیمانه‌تری بنا می‌شد و بسیاری چیزهای دیگر. من هم یکی از ده دوازده جوان جویای نام بودم که حاضر شده بودند چالش جدید را به جان بپذیرند و آنچه را که در چنته دارند در ساختن دانشگاه جدید بیازمایند. دست به کار شدیم و چه شوقی داشتیم.

من تا سال ۱۳۷۸ در شیراز ماندم. در بالا پایین دانشگاه نقش داشته‌ام و سهم دارم، کارشناسی‌ارشد و دکتری فیزیک راه انداخته‌ام، رصدخانه بیرونی ساخته‌ام، در به روز کردن دانش خودم و دانش‌جویانم پیش‌گام بوده‌ام، و خیلی نوآوری‌های دیگر. می‌توانم ادعا کنم من و همسرم جوانی و تمام عمر مفیدمان را در طبق اخلاص تقدیم دانشگاه شیراز و شیرازیان کرده‌ایم. فرزندانمان را در شیراز به برومندی رسانده‌ایم، دوستان شیرازی زیادی داریم، گرمی‌شان می‌داریم و خداوند را شاکریم.

در بزرگداشت اردیبهشت ۱۳۹۱، آقایان دکتر ارمی، مهندس آیوازیان، سرکار خانم هلن آیوازیان، و خانم شهلا محلاتی من و همسرم را در زنجان مفتخر کردند و مراحم انجمن دانش‌آموختگان دانشگاه شیراز را به ما ابلاغ فرمودند. چه زیباست آدم به‌بیند و بداند که دوستان و پروردگان گذشته‌هایش به یادش دارند و قدرانش هستند.

با آرزوی توفیق برای جناب‌عالی و همه دوستان شیرازم

یوسف ثبوتی
زنجان ۱۳۹۱/۴/۴



